



دکتر محمود زنجانی

## مفاهیمی از

# آیین توحیدی ایرانیان باستان

زناشویی کرد و پس از سال‌ها رنج و تعب و فراخواندن مردم به دین یکتاپرستی و طلب رستگاری برای تمام نیک‌سیرتان در سن ۷۷ سالگی جهان را وداع گفت.

زرتشت پیوسته همگان را به راه راست هدایت می‌نمود و افعال و رفتار نیک را به مردم توصیه می‌کرد.

چون شاه گشتاسب به آیین جدید درآمد، مردم هم به پیروی از پادشاه کشور گروه‌گروه آن را پذیرفتند، بدین سبب زرتشت، وی را مادر آیین زرتشتی نامید. او همواره برای پیروان خود طلب رستگاری و مغفرت می‌نمود و می‌گوید ای راستی، کی به تو خواهم رسید و چه هنگام از دیدن منش پاک خوشنود خواهم شد. او از اهورامزدا می‌خواهد که همگان را به راه راست هدایت فرماید و می‌گوید:

امیدوارم که با پند خویش و به‌وسیله‌ی آیین دین بهی، این راهزنان را به‌سوی تو رهنمون شوم. او با معاندان و منافقان سازش نمی‌کند و می‌گوید: ای اهورامزدا، روا مدار که نیکوکاران دچار زوال شوند و بدکاران غالب آیند.

و باز هم از گفته‌های اوست:

شماراست سلطنت، شماراست توانایی، ای مزدا، ای وهومن، و ای اشا (راستی) خواهش من این است که درماندگان و بیچارگان را دست گیرید، ما خود را از راهزنان و دروغ‌پردازان جدا ساختیم.

نفرین مزدا بر کسانی که مردم را از کردار نیک بازدارند. زرتشت با مراسم قربانی کاهنان و مغ‌ها و مستی بر اثر نوشیدن مشروب مخالف بود و می‌گفت ای مزدا، کی این مشروب کثیف را بر خواهی انداخت.

وی سرانجام بر مخالفان دین بهی پیروز می‌گردد و آیین مزدیسنی را در ایران بزرگ آریایی رواج می‌دهد.

درباره‌ی تاریخ زایش زرتشت اختلاف هست، برخی تولد او را در شش هزار سال پیش از میلاد می‌دانند که به‌نظر اغلب مورخان صحیح نیست، لیکن اکثر محققان تولد او را در حدود ششصد سال پیش از خشیارشا و بین یک‌هزار تا یک‌هزار و یکصد سال پیش از میلاد می‌دانند که به‌نظر صحیح‌تر است. او اهورامزدا را خالق تمام موجودات و مظهر نیکی می‌دانست. عاشق اشا (راستی) بود و تمام عمر خود را در راه کارهای خیر و ترویج راستی و نیکی مصروف داشت و از قربانی در راه خدا که آن را به‌خاطر خوشنودی و رشوه به پروردگار تلقی می‌کرد برحذر بود. وی عقیده داشت و می‌گوید: ارزش انسان به کار است و کار رونق زندگی‌ست. ثروت و قدرت و آسایش با کار و کوشش به‌دست می‌آید، انسان بیکاره و تنبل سرانجام به دیروزگی و گمراهی دچار خواهد شد.

هم‌چنین انسان بایستی هم‌زمان با کار، به ورزش بپردازد تا نیرومند شود و با جسم و بدن سالم با بیماری مبارزه نماید. او می‌گوید در برابر پیروان نیکی و راستی، گروه زشت‌کاران و بدسگالان وجود دارند که با دروغ و زشتی جامعه را به فساد می‌کشند، از این رو همواره برای نیکان آرزوی پیروزی می‌نمود.

و باز می‌گوید: انتخاب راه و روش زندگی به خود انسان بستگی دارد، نیکان رستگار و بدان و شیربان دچار عذاب خواهند شد.

□ زرتشت، بنیانگذار و واضع دین زرتشتی، در یکی از مناطق آذربایجان غربی کنونی زاده شد. وی از خاندان اسپیتان، پدرش پوروشسب و مادرش دغدو نام داشتند.

به باور ایرانیان افراد نیکوکار و نیکوسگال دارای فره ایزدی هستند، و هنگامی که دغدو، زرتشت را آستن بود، این نیروی ایزدی که ویژه‌ی خوش‌سگالان می‌باشد بر دغدو فرود آمد و اهورامزدا چنین دغدو را مشمول عنایات خود قرار داده و فره ایزدی را به وی عطا فرمود، در نتیجه فرزند پوروشسب فردی نیکومنظر و نیک‌سیرت شد و چون موردنظر خداوند قرار داشت به پیامبری برگزیده شد.

لیکن اهریمن که سمبل بدکاری و زشت‌سگالی بود، همواره در خیال منحرف کردن این شخصیت پاک بود، با این وجود روان پاک زرتشت تحت تأثیر و اغوای اهریمن قرار نگرفت و او به ارشاد و هدایت قوم خویش پرداخت و در این راه به موفقیت رسید و توانست اساس و پایه‌ی نخستین آیین توحیدی را بنیان نهد.

وی نه‌تنها یک شخصیت روحانی بود، بلکه مانند یک سرباز جانباز به‌خاطر آزادی میهن خود، در نبرد بین ایران و توران شرکت نمود و هم‌چنین به کشاورزی و دامداری مانند سایر هم‌نوعان خود می‌پرداخت و همگان را به این امر مهم تشویق می‌نمود.

پدر و مادر زرتشت او را از سن پانزده سالگی به نزد برزین خردمند فرستادند تا دانش‌های دینی و فنون جنگی را بیاموزد، زرتشت هم با استعداد فطری و خداوندی که داشت، این علوم را به‌شایستگی فرا گرفت.

مع‌هذا پدر و مادر او همواره نگران روح و روان او بودند و بیم داشتند که به جنون مبتلا شود، زیرا افراد متعالی در نظر دیگران غیرعادی به‌شمار می‌روند، بدین جهت در صدد ازدواج او برآمدند، لیکن زناشویی هم او را از فکر مردم و بویژه فرودستان منصرف نکرد و چاره‌ی بدبختی‌های آن‌ها را در نیک‌اندیشی، نیک‌گفتاری و نیک‌کرداری می‌دانست و همگان را به کار و کوشش، تولید محصول و پرورش دام، به‌خصوص گاو، ترغیب و تشویق می‌کرد.

زرتشت برای رسیدن و نیل به آمال متعالی خویش، مدت ده سال خانمان خود را رها کرد و همیشه در اندیشه‌ی خالق کائنات و هستی و فناپذیری انسان سیر می‌کرد و غایت و هدف وی رستگاری نوع بشر بود.

در این مدت وی به غذایی مختصر تنها برای زنده‌ماندن بسنده می‌نمود تا روح و روان خود را مصفا سازد.

سرانجام با شعاع خود تمام کاهنان زمانه را مجاب ساخته و به آیین جدید فراخواند، نخستین فردی که دعوت او را اجابت نمود، جاماسپ وزیر خردمند گشتاسب و سپس شاه کیانی بودند که به آیین وی درآمدند.

پس از آن هم تمام بزرگان کشور از جمله برادر جاماسپ به‌نام فروشتره به دین جدید گرویدند و زرتشت هم با دختر فروشتره

شخص زرتشت هم به زنان مانند مردان سفارش می‌کند که پیرو  
سه اصل دین بهی باشند تا به رستگاری برسند و می‌گوید:  
اینک روان زنان و مردان را در هر جایی که زاده شده‌اند،  
می‌ستاییم و آنانی را که نهادشان از برای پیروزی راستی می‌کوشند  
را هم می‌ستاییم.

در این نوشتار، موضوعی که بسیار مهم می‌باشد و همگان را بر  
آن وقوف نیست، تمثالی‌ست که به‌اشتباه به اهورامزدا نسبت داده  
شده، که برای رفع ابهام بایستی بیش‌تر مورد بررسی و تحقیق قرار  
گیرد.

۱- در آیین مزدیسنی به‌مانند سایر ادیان بزرگ جهان، نمایانند  
خداوند و خالق هستی به صور مختلفه و احیاناً بشری کفر و  
بت‌پرستی‌ست و به باور متدینان هیچ‌گاه خداوند به‌صورت و شبیه بت  
نبوده است و بایستی این اشتباه برطرف شود. تصویری که در تمام  
معابد و آتشکده‌ها به‌عنوان سمبل شناخته می‌شود و حاکی از آیین  
مزدیسنی‌ست، در واقع تمثال مردی جهان‌دیده، پیرو مرشد است که  
جهت هدایت مردم و شناخت بیش‌تر خداوند (اهورامزدا) نموده شده،  
بدین ترتیب:

صورت و چهره‌ی این تصویر نشان از پیرمردی مجرب و سرد  
و گرم روزگار چشیده است که معتقد به خداوند ایزد یکتا می‌باشد که  
در کمال تواضع و فروتنی دست به حال تضرع در برابر خالق  
هستی‌بخش ایستاده و از او یاری می‌جوید و طلب رستگاری  
می‌نماید.

۲- دست راست وی رو به جلو و بالا می‌باشد که نشانه استغاثه و  
استمداد از احدیت و در جست‌وجوی و کامیابی برای همگان است.  
۳- حلقه‌ی که در دست چپ تصویر نموده شده، نمایانگر عهد و  
پیمانی‌ست که انسان با صانع و خالق دارد و حلقه جهت تأیید و  
استحکام این پیمان می‌باشد.

۴- بال‌های گشاده که در سه طبقه نشان داده شده، به مفهوم  
اساس و زیربنای دین بهی (پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک یا  
هومت، هومت، هورشته) می‌باشد، و نیز جهت تسهیل و طیران در  
رسیدن به عالم بالاست.

۵- حلقه‌ی میان کمر نشان آن است که آدمی در اخلاق و  
صفات خویش اسیر است و برای رهایی از قید آن‌ها بایستی پارسایی  
و راستی و نیکویی پیشه کند و دنیا را جهت رستگاری پیروزی و نیل  
به حقیقت سپری نماید.

۶- دو رشته‌ی پیوسته به کمر، مظهر سپنتانیو (صفات نیک) و  
اتگره‌میز (صفات بد) می‌باشد که همواره با هم در تضاد هستند و  
غلبه‌ی آن‌ها بستگی به کردار آدمی دارد و انسان قادر است به‌راحتی  
آن را از خود براند، چون در پایین تنه قرار دارند.

۷- قسمت زیر دامن که باز هم سه طبقه است در تضاد با سه  
اصل مزدیسنی‌ست و آدمی باید با رفتار نیک آن را تقویت نموده و  
اندیشه‌ی بد، گفتار بد و کردار بد را از خود براند و به همین جهت  
هم در نقش و نمای آن را در پایین بدن قرار داده‌اند که انسان  
به‌راحتی بتواند آن را از خود دور نموده و پاک و منزه بماند.

### توحید و یکتاپرستی

آیین مزدیسنی به باور اغلب محققان، نخستین دین یکتاپرستی  
است و ثنویت و دوگانگی (وجود اهورامزدا و اهریمن (نیروی خیر و

در ارد اویرافنامک و مینوی‌خرد که دانته شاعر بزرگ ایتالیایی با  
الهام از آن و با راهنمایی وی‌رژیل، شاهکار بزرگ خود، کتاب کمدی  
الهی را به‌وجود آورده، سرانجام جایگاه نیکان فردوس و بهشت و  
عاقبت بدکاران، جهنم می‌باشد. در دین بهی یا مزدیسنی، پنج عنصر  
غیرمادی برای انسان وجود دارد که عبارتند از:

۱- روح و روان که سبب حرکت و جنبش می‌باشد که حالیه به  
جان موسوم است، یعنی موجود جاندار؛

۲- دنا (دین) که وجدان و سیرت آدمی‌ست و وجدان پاک  
انسان را از مناهای بازداشته و او را به اعمال نیک ترغیب می‌نماید؛

۳- ثبور یا نیروی عقلانی که قوه‌ی تمیز و هوش و استعداد  
می‌باشد و انسان را از سایر موجودات متمایز می‌سازد؛

۴- اوروان یا روان که اراده و اختیار را می‌رساند و خیر و شر را  
به انسان می‌نمایاند؛



۵- فروهر یا فره‌وشیه (فره‌وشی) که فرشته‌ی غیرمادی نگهبان  
روح و روان است و یکی از صفات دادار یا پروردگار است که در وجود  
انسان به ودیعت نهاده شده است.

### حقوق زن در اوستا و مزدیسنا

در آیین زرتشتی، اصل برابری زن و مرد رعایت شده، البته با  
توجه به زمان، با عنایت به هنگام ظهور زرتشت و دستورات دین  
بهی که در بدو تمدن صادر شده، در حالی که در تمام نقاط متمدن  
کره‌ی زمین، زن را جزو کالا محسوب کرده و قابل خرید و فروش  
بود، آیین زرتشتی نه به‌مانند امروز، لیکن در مقام مقایسه با عصر و  
زمان، حقوق زن را مرعی داشته و به‌عنوان موجودی مساوی مرد  
برای وی ارزش و احترام قائل شده است.



## قرص خواب

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

- قرص خواب و قرص خواب و قرص خواب  
باز هم شب است  
پس کجاست آفتاب؟

مرد!  
صبرت ار به طاقت آمدهست  
زین شب چراغ مرده‌ی ملول  
هوش آفتابیت کجاست؟  
گر به جست و جوی سطرهای روشن سپیده‌ای  
با چراغ چشم جغد  
آسمان تیره را ورق مزن.

- قرص خواب و قرص خواب و قرص خواب  
باز هم شب است  
پس کجاست آفتاب؟

ریسمان باد را رها کن ای یقین!  
چلچراغ خویش را به طاق دیونادها مَنه  
بنگر آن شهاب را که در هجوم وحشت نجوم  
سنگ در چهل چراغ سبز کهکشانش می‌افکند.

گوش کن!  
کیست آن که زخمه می‌زند، در آن سوی جنون  
بر سه تازی این چنین حزین  
در شب دهن دریده‌ی دُهل درای  
گوش کن صدای کیست؟  
این صدا که هم‌رهش  
اشک‌های من بَدَل به شعر می‌شود  
روی گونه‌ی ستاره‌ها.

- قرص خواب و قرص خواب و قرص خواب  
باز هم شب است  
پس کجاست آفتاب؟

قرص خواب و آفتاب؟  
در شبی چنین جذامی و سَمج  
وین زمان زمهریری زمخت  
نیست آفتابی، ار که هست  
بی‌گمان،  
در دل من و شماست.

- قرص خواب و قرص خواب و قرص خواب  
باز هم شب است  
پس کجاست آفتاب؟

۲۱ آوریل ۱۹۷۵

شر) در این آیین جایگاهی ندارد و به عقیده زرتشت پروردگار  
جهانیان تنها خالق و صانع کائنات می‌باشد و هیچ نیرویی در برابر  
ایزد یکتا وجود ندارد و اهریمن و شیطان زاییده افکار بشری‌ست.  
ثنویت و دوگانگی توسط اعراب که ایرانیان را عجم و بربر  
می‌خواندند به آیین دین بهی داده شد تا سبب تحقیر تمدن ایران  
باستان شود و تمدن عظیم و پیشرفته ایران را کوچک جلوه دهند و  
مناجات زرتشت به درگاه خداوند شاهد این مدعاست:

ای اهورا کیست که در روز نخست از آفرینش، پدر راستی  
گردید؟

کیست آن که به خورشید و ستارگان راه بنمود؟  
کیست آن که گاهی پُر و گاهی تهی است؟  
کیست نگهدار این زمین در پایین و سپهر در بالا؟  
کیست به باد و ابرها تندی آموخت؟  
کیست آفریننده‌ی منش پاک؟  
کیست آفریننده‌ی بامداد و نیم‌روز؟  
کیست آفریننده روشنایی و تاریکی؟  
و خودبه‌خود می‌گوید:  
جز تو کسی نیست ای اهورامزدا و خدای بزرگ که دادگر اعمال  
جهان است.  
باز با خود می‌گوید: اهورامزدا خدای یگانه و بزرگ‌تر از همه  
است.

بهتر از همه و با بهترین راستی، از همه داناتر، دادار دادگر.  
اهورامزدايي که اراده‌اش با راستی یکسان است.  
آن‌که با نیروی خرد خویش راستی و جهان را آفرید.  
آن‌که سرآغاز است و سرانجام، آفریننده راستی و آن‌که نخست  
با خرد خویش انسان و نیروی اندیشه و وجدان را آفرید و به مردم  
نیروی اراده بخشید و فردوسی بزرگ می‌گوید:  
به‌نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

کسی که از هرآن‌چه اتفاق می‌افتد، آگاه است.  
یاران اهورامزدا، تنها کسانی هستند که با گفتار و کردار نیک از  
حق دفاع می‌کنند.  
اهورامزدا خداوندی که پاک و منزّه است و بر همه چیز پیروز  
است.  
دادگری‌ست که دروغگو را سزا و دوستداران راستی را پاداش  
خواهد داد.  
خداوندی‌ست که بزرگان نیکوکار و همه‌ی راستان را مانند پدری  
حامی و پشتیبان است.  
اوست دارنده‌ی نیروی جاودانی و توانای مطلق. ■

## مآخذ

اوستا و خرده‌اوستا، ترجمه و تحقیق هاشم رضی.  
رضی، هاشم، ادیان بزرگ.  
پیرنیا، حسن مشیرالدوله، تاریخ ایران باستان.  
زنجانی، محمود، تاریخ تمدن ایران باستان.